

اواسط ماه مه وزیر انرژی و زیر ساخت پروفیسور یوئل نعمان برای بررسی شخصی موضوع تحقیق و توسعه در زمینه انرژی هسته‌ای از جمله برنامه شیرین کردن آب توسط انرژی هسته‌ای به اتحاد جماهیر شوروی رفت. او در بازگشت از این بازدید در کنست سخنرانی کرد و به طور صریح گفت که با توجه به عوارض جانبی خرید این تأسیسات حساس از عوامل خارجی، اسرائیل از خارج از کشور راکتور هسته‌ای برای تولید برق نخواهد خرید. بسیاری دیدند تلاش‌های برای ایجاد تأسیسات آب شیرین کن از طریق انرژی هسته‌ای در اسرائیل این چنین پایان یافت، اما من تسلیم نشدم. کمتر از شش ماه بعد از این که پاسخ منفی از وزیر علوم و انرژی دریافت کردم، برای ملاقات با وبتالی گونتولف وزیر انرژی اتمی و زیر ساخت دوباره به اتحاد جماهیر شوروی رفتم. در آن جلسه و جلسات دیگر که با پروفیسور

مسکو بازگشتم، این‌بار دو پیشنهاد احتمالی را ارائه کردیم: طبق پیشنهاد اول راکتور هسته‌ای بر روی تأسیسات شناور در قلب دریا نصب خواهد شد و برق به تأسیسات آب شیرین‌کن که بر روی خشکی نصب خواهد شد انتقال خواهد یافت و طبق پیشنهاد دوم تأسیسات آب شیرین‌کن بر روی تأسیسات شناور در قلب دریا نصب خواهد شد و آب‌های شیرین‌شده به لوله‌ها در منطقه اسرائیل انتقال خواهند یافت. باور داشتم که اسرائیل یکی از دو پیشنهادی را که ارائه دادیم خواهد پذیرفت، و در پایان جلسات «مؤسسه کورچاتف» توافقنامه‌ای امضا کردم که طبق آن این موسسه درباره امکان‌پذیری اقتصادی و اجرای تولید انرژی و شیرین کردن آب دریا از طریق راکتور هسته‌ای که بر روی تأسیسات شناور در قلب دریا واقع خواهد شد، تحقیق کند. در بازگشتم به

«**امید و شکست»** **خاطر ات سال‌ها فعالیت اطلاعاتی – امنیتی یعقوب نیم‌ودی بر ای اسرائیل – ۲۵**

تأسیسات هسته‌ای برای شیرین کردن آب دریا بر روی کشتی



دانشمندان شوروی با نظر من موافق بودند که این پیشنهاد جدید بر مخالفت‌هایی که در اسرائیل برای تأسیس نیروگاه هسته‌ای ساخت شوروی به پا شده‌اند، غلبه خواهد کرد. حتی آنها پیشنهاد دادند که این تأسیسات شناور در مالکیت شوروی باشد و آب‌های شیرین‌شده به دولت اسرائیل فروخته شود. این پیشنهاد را به خوبی بررسی کردم و از آن خوشم آمد.

همچنین در مسکو مهندس الی راخمیلویچ باتجربه با من بود که بعد از بازنشسته شدن در تجارت‌ها به من کمک می‌کرد. راخمیلویچ این پیشنهاد را بررسی کرد و تأیید کرد که این موضوع امکان پذیر است.

او همچنین مشخصات فنی نیروگاه هسته‌ای شوروی را که برای شیرین کردن آب و با این تکنولوژی استفاده می‌شد، بررسی کرد.از دانش فنی گسترده او و تسلطش بر زبان روسی بسیار کمک گرفتم. به تماس‌ها با دانشمندان روسی ادامه دادم و در فوریه ۱۹۹۳ برای پیشبرد این موضوع دوباره به

قرار بود هزینه یک مترمکعب آب شیرین بر این روش حدود نیم دلار برای اسرائیل بشود، در مقایسه با هزینه‌های یک تا یکونیم دلاری در روش‌های شیرین کردن متداول.

متأسفانه این پیشنهاد جذاب هم از مانع وزرای دولت عبور نکرد. در همین حال (در جولای ۱۹۹۲) دولت در اسرائیل تغییر کرد و دو وزیر جدید که قرار بود به این موضوع رسیدگی کنند، وزیر انرژی امنون روبینشتاین و وزیر محیط‌زیست یوسئ سارید با این برنامه مخالفت کردند. با اینکه تمام گزارش‌ها به مزایای این روش اشاره می‌کردند، در دولت اسرائیل فقط هیروشیمیا و چرنوبیل را به یاد می‌آوردند. همچنین استفاده از تأسیسات شناور برای تأمین آب شیرین برای غزه را نیز پیشنهاد کردم. این یک ایده انقلابی دیگر برای پیشبرد صلح بین اسرائیل و فلسطین بود. دولت این پیشنهاد را رد کرد.

چون من می‌دانم که ۹ سال ارزشمند را در رابطه با شیرین کردن آب در اسرائیل هدر دادیم.

تبدیل زباله به انرژی برای شیرین کردن آب
با این وجود علاقه‌ام را به شیرین کردن آب در اسرائیل از دست نندام و راه‌حل‌های جایگزین و بدیع طرح کردم، یکی از آنها بر پایه تکنولوژی جدیدی که در روسیه توسعه یافته بود قرار داشت: سوزاندن زباله (زباله شهری) برای تولید انرژی، که تأسیسات آب شیرین‌کن به روش پیرولیز (دوب‌شدن در گرما) را راانندازی می‌کرد. جولای ۱۹۹۷ دوباره به مسکو رفتم و با پروفیسور یوکنی ولیکف رئیس «مؤسسه کورچاتف» وابسته به آکادمی علوم روسیه که به نام دانشمند اتمی روسی که بمب هیبروزن را توسعه داد خوانده می‌شد، یک توافق همکاری امضا کردم. اگر چه این روش شیرین کردن آب اندکی گران‌تر از شیرین کردن آب از طریق انرژی هسته‌ای بود، هنوز هم نصف هزینه‌های شیرین کردن آب متداول در اسرائیل بود. درباره این تماس‌ها به سه وزارتخانه دولتی مرتبط گزارش دادم: وزارت زیرساخت ملی، وزارت کشاورزی و وزارت محیط‌زیست. با وزیر محیط‌زیست رافائل ایتان و دانشمند ارشد وزارتخانهش پروفیسور یوری مینگل کاربن ملاقات کردم و او با من به دکتر اشلومو والد کارشناس سوزاندن زباله و پیرولیز و عضو مرکز تحقیقات هسته‌ای ناحل سسورک مراجعه کرد. دکتر والد این روش را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که اگرچه این روند تا حدودی گران است، اما بهترین تکنولوژی موجود برای رسیدگی به زباله‌ها از نظر حفظ محیط‌زیست است. از اضافه برق تولید شده از سوزاندن زباله‌ها برای شیرین کردن آب دریا و بهبود توانایی رقابت این تأسیسات پیشنهادی استفاده می‌شد.

در طول ۱۹۹۸ با وزیر رافائل ایتان ملاقات کردم و این پروژه را به او ارائه کردم. برای این ملاقات دو دانشمند روسی که این تأسیسات را توسعه دادند با خودم آوردم، ولادیمیر خلمنیک و والری گندکنو. احساس کردم که مادر حال دستیابی به این موضوع هستیم و من از همیشه به تحقق رؤیای آوردن تأسیسات پیشرفته و جدید برای شیرین کردن آب دریا به اسرائیل نزدیک‌تر هستم.

وزیر ایتان شیرین کردن آب در اسرائیل را مشتاقانه دنبال کرد و برای ارائه درخواست دریافت کمک هزینه برای تحقیقات این تکنولوژی پیشنهادی در دفترش توصیه کرد و به من قول داد که هر طوری که بتواند کمک کند. اما در نهایت این طرح هم تحقق نیافت.

در جولای ۱۹۹۹ دوباره دولت در اسرائیل تغییر کرد. به طور کلی دولت جدید به ادامه طرح‌هایی که دولت‌های قبلی آن را آغاز کرده بودند مشتاق نبود. وزیر جدید به وزارت محیط‌زیست آمد و این موضوع با رافائل ایتان از دستور کار ناپدید شد.

هنگامی که به تلاش‌هایم برای توسعه تأسیسات برای شیرین کردن آب در اسرائیل فکر می‌کنم، سخت باور می‌کنم که چه اتفاقی در اینجا رخ می‌دهد. در این چند دهه من مشغول شیرین کردن آب دریا بودم. شاه ایران و تاجران کثورش را برای سرمایه‌گذاری ده‌ها میلیون در تأسیسات آب شیرین کن متقاعد کردم و البته در کشورم با دیوار بلندی مواجه شدم که ایسن طرح را متوقف کرد.

علاوه محمدتقی مصباح یزدی

انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن– ۹

جایگاه انقلاب اسلامی در تاریخ

تاریخ به بعد، چنین جهش‌های چشم‌گیری که در سایه اطاعت انبیا در جهان واقع شده باشد، کمتر به چشم می‌خورد.

البته تحولات اجتماعی که به نحوی تحت تأثیر تعلیم انبیا قرار داشته است، کم نبوده است، لیکن مواردی را که منجر به پیدایش یک حکومت حق فراگیر و مبتنی بر دستورات و قوانین الهی و اسلامی شده باشد، کمتر می‌توان یافت.

البته نمی‌توان انکار کرد که گاهی در گوشه و کنار یک شهر یا ایالتی برای مدت کوتاهی



حکومتی برقرار شده است؛ ولی حکومت فراگیری را که در یک کشور چند ده میلیون، قوانین آن بر اساس قوانین اسلام شکل گرفته باشد، نمی‌توان یافت.

از ایسن رو می‌توان ادعا کرد که بعد از جهشی که در تاریخ زندگی مسلمین در زمان رسول‌الله (صلی الله علیه وآله) پدید آمد، جهش دیگری، جهشی است که به واسطه رهبری یکی از فرزندان رسول‌الله (صلی الله علیه وآله) و با همت مردان خداپرست و عاشق حق، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تحقق پیدا کرد.

پس از قطع بوده سازمان سیا، مجله انکانتسر از یک بحران مالی به بحرانی دیگر می‌غلطید و لاسکی عمده وقت خود را در این سال‌های پایانی صرف یافتن حامیان مالی کرد. در سال ۱۹۷۶، فرانک پلات (که همچنان در سازمان سیا مانده بود) به جوبلسون نوشت: «عکس جالبی از… مل در حین گفت‌وگو با رئیس امپراتوری آجیو کورس در دنور، چهره راست افراطی (چنان افراطی و تندرو که‌هانت پیر آکه خودش یک ضدکمونیست سرسخت است] در مقابل او به [یک کمونیست چون] گاس هال^۱ می‌ماند) دیدم. می‌خواست مجله را به دست بگیرد و مال خود کند. در تمام مدت جلسه یک غلاف کمری و کلت ۴۵ به

همراه داشت!» نه ممنونم آقای کورس. در حالی که لاسکی «در بیرون شهر به دنبال پول می‌گشت»^۲، پلات نیز با درخواست کمک مالی از بنیاد ویلیام ویتنی، سهم خود را برای

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۲۲۳

آخرین بازمانده‌های انکانتسر

هر سردبیر انگلیسی‌ای که با لاسکی همکاری کرده بود استعفا داد (از استیون اسپندر و فرانک کرمود گرفته تا نایجل دنیس و دی.جی. اینرایت) به جز آخرین آنها، آنتونی هارتلی، لاسکی نهایت تلاش خود را کرد تا آنچه از گسره قدیمی باقی مانده بود را گرد هم نگه دارد و در سال ۱۹۹۲ مراسم «آخرین بازمانده‌های انکانتسر» را در برلین سازماندهی کرد.

کمک انجام داد. بعدها، وقتی موضوع حمایت سازمان سیا از انکانتسر مطرح شد، لاسکی با تندی پاسخ داد: «خب، پس پول را چه کسی باید بدهد؟ آن پیرزن کثانی پوش از ددوک آیووا؟ یا او با به شما یک میلیون دلار می‌دهد؟ خوب، منظور این است که این‌ها خیالات واهی است! پول از کجا باید بیاید؟»

هر سردبیر انگلیسی‌ای که با لاسکی همکاری کرده بود استعفا داد (از استیون اسپندر و فرانک کرمود گرفته تا نایجل دنیس و دی.جی. اینرایت) به جز آخرین آنها، آنتونی هارتلی، لاسکی نیز آن را تقلیل داد، زیرا او با سابقه‌ترین عضو انکانتسر، مارکوت والمزلی، یا دانیال جوسلسون یا خانواده اسپندر را دعوت نکرده بود، حتی که بارن نیز نام مایکل جوسلسون برده نشد. ارتش رنگارنگ لوین وقتی که نظام شوروی سرانجام در هم فرو ریخت اشکی نریخت و با ایسن حال، جورج اوربان، تبلیغاتچی رادیویی، به نمایندگی از همه آنان گفت که احساس «درد حریف با خنجران عجیبی» به من دست داد: «در حالی که خون نشسته‌ای که از یک منظر، خدمت خوبی به من کرده بود، از میدان به در رفته بود، دشمن قابل پیش‌بینی آن‌سوی تپه‌ها، که اغلب

نمی‌تواند علّت منحصر به فرد بودن این انقلاب در میان انقلاب‌های بزرگ جهان باشد.

هرچند که در این انقلاب، در مقایسه با برخی از انقلاب‌های دیگر، خسارات کمتری متوجه مردم گردید و تعداد کشته‌ها، مجروحان و آسیب دیدگان نیز بسیار کمتر بود؛ ولی این اختلاف نیز نمی‌تواند منشأ منحصر به فرد بودن این انقلاب در طول تاریخ باشد.

برای تحلیل و ارزیابی صحیح منشأ عظمت انقلاب اسلامی، به من دیدگاه می‌توان آن را مورد توجه قرار داد:

۱. دیدگاه کسانی که نگرش الهی و اسلامی نداشته و با نسبت به این انقلاب خصومت می‌ورزند: براساس این دیدگاه جامعه‌شناسانه، تحقق این انقلاب پدیده‌ای برخلاف معادلات بین‌المللی بود که تحلیلگران سیاسی هرگز احتمال آن را نیز مطرح نمی‌کردند.

چنین انقلابی توانست به سرعت بر

انقلاب اسلامی ایران از انقلاب‌های بزرگ جهان که در عرصه روابط بین‌الملل مطرح است، کاملاً متمایز است. تلاش‌نمایید از طریق آشنایی با انقلاب‌های مذکور، آنها را با انقلاب اسلامی مقایسه کنید. چه تفاوت‌های بنیادینی میان آن‌ها مشاهده می‌کنید؟ این مسئله را با دوستان خود در میان بگذارید و هریک از آنان متکفل مطالعه یکی از انقلاب‌های بزرگ معاصر جهان گردند.

معادلات جهانی اثر گذاشته، تمام جهان را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

این دیدگاه، هرچند که بخشی از عظمت انقلاب را بیسان می‌کنند؛ ولی نمی‌تواند بیان‌کننده عظمت واقعی انقلاب بوده، تمام حقیقت را بیان نماید.

۲. دیدگاه کسانی که در پیروزی انقلاب نقش داشتند و برای تحقق آن بسیاری از سختی‌ها را به جان خریدند: بر اساس دیدگاه مذکور تلاش تمامی انبیا، اوصیا، اولیا و مجاهدان الهی، در طول هزاران سال، برای برقراری حکومت الهی و حاکمیت قانون عدل الهی در روی زمین، به وسيله این انقلاب به نتیجه رسید و همین امر منشأ عظمت این انقلاب است.

جایگزین شدن حکومت الهی مبتنی بر عدالت به جای حکومت‌های مبتنی بر ظلم، خودمحوری، خودگرینی و قدرت‌طلبی است که این انقلاب را تبدیل به پدیده‌ای بی‌نظیر کرده است.

۳. بنابراین توجه به ابعاد فرهنگی، اهمیت به انتخاب آگاهانه، تلاش در تحکیم عقاید حقه، تأکید بر تبیین دقیق اهداف، فراگیری انقلاب، عدم اتکا به بیگانگان، ثبات قوانین و مقررات، رعایت مصالح متغیّر، برخورداری حاکمیت از پشتوانه ثابت، بهره‌مندی از امدادهای غیبی، و اموری از این قبیل، از مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر انقلاب اسلامی محسوب می‌گردند.

۴. انقلاب اسلامی ایران نیز که نمونه‌ای از این گونه انقلاب‌هاست، در نوع خود منحصر به فرد است؛ چراکه با پیروی از حرکت انبیای الهی، به ابعاد معنوی انسان‌ها توجه نمود.

بنابراین، جایگزین شدن حکومت الهی مبتنی بر عدالت به‌جای حکومت‌های مبتنی بر ظلم، خودمحوری، خودگرینی و قدرت‌طلبی است که این انقلاب را تبدیل به پدیده‌ای بی‌نظیر کرده است.

۵. با توجه به اهمیت بالای انقلاب اسلامی ایران در سیر تحولات تاریخ، جا دارد تا اَرکان چنین انقلابی مشخص گردد که در درس بعدی به‌ان پرداخته شده است.

پانوشتم:

۱- صافات (۳۷)، ۱۷۳ – ۱۷۱.

صفحه ۱۰

شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵

۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۰۹



شنیده می‌شد اما به ندرت دیده می‌شد، به طرز متناقض‌نمایی منبع اطمینان‌بخشی بود. داشتن یک دشمن بزرگ تقریباً به خوبی داشتن یک دوست بزرگ بود و- در زمان نارضایتی در میان صفوف خودمان- شاید هم بهتر بود. دوست، دوست بود، اما یک رقیب خوب یک رسالت بود. یا شاید، گاه از خودم می‌پرسم، آیا این دلمشغولی طولانی‌مدت من به «پالکتیک» چنان مرا آلوده کرده که نمی‌توانم زندگی‌ای فراتر از یک زندگی تقابلی تصور کنم؟»

کمی پس از فروپاشی دیوار برلین، یک افسر سابق کالج به سراغ جورج اوربان آمد و ادعا کرد که مدرسه تبلیغات کرملین را اداره می‌کرده است.

اوربان پرسید: «و آیا نوشته‌های ما در انکاونتر را به عنوان سرخ‌ی از آنچه «دشمن» طرح می‌ریخت مفید یافتید؟»

پاسخ آمد: «فید، مفید، آن‌قدر جذاب‌یش یافتم که به تدریج شما و همکارانتان مرا از سوگند و ایدئولوژی‌ام دور کرده و به من منتقد تبدیلم کردید. می‌بینید، برنامه درسی انکاونتر بیش از حد متقاعدکننده بود. در ذهن یک جاسوس کارگرفته، تردید می‌آفرید، سپس گامی‌گاه نافرمانی و سرانجام مخالفت آشکار!»

اوربان این واقعه را برای لاسکی تعریف کرد، لاسکی از شنیدن اینکه دشمن، انکاونتر را مطالعه می‌کرد به وجد آمده بود. «شوکه‌ام کردا چه تعریف و تمجیدی، کالج اب از این چیز استعجاب می‌کرده اما در آن زمان احساس می‌کردیم ایسن سرنیزه ایدئولوژیک که ما جنگجویان بسرد اندیشیده بودیم به هدف می‌خورد و معلوم شد که حق با ما بود»

ناثاشا اسپندر نتیجه‌گیری کرد: «افرادی مانند لاسکی دقیقاً مانند روس‌ها فکر می‌کردند. برای آنها همه چیز فقط یک بازی راهبردی بود»

پانوشته‌ها:

۱- کاب‌مال (۱۹۱۰-۲۰۰۰) رهبر حزب کمونیست ایالات متحده بود که از ۱۹۵۹ تا زمان مرگش به عنوان دبیرکل این حزب ماند و چهار بار نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا شد. بعد از ناکام کمونیسم در دوران جنگ سرد به شمار می‌رفت.

۲- برای یافتن پول به هر کوی و برزی سر می‌زد.

۳- شاید منظورش این است که تند مزاج بود، اخلاق خوبی نداشت.

۴- از هم رنگ، از همه ملیت‌ها و فرهنگ‌ها.